



بسیاری از آیات قرآن با بی‌توجهی به دانش‌های بیرونی ناشکفته باقی می‌ماند

قرآن کتاب جامعی است که در همه حوزه‌های دانشی وارد شده و همه محصولات دانش؛ چه دانش بشری و چه وحیانی، می‌تواند در خدمت فهم قرآن باشد که بسیاری از آیات قرآن با بی‌توجهی به دانش‌های بیرونی ناشکفته و تفسیر ناشده باقی می‌ماند.

قرآن کتاب جامعی است که در همه حوزه‌های دانشی وارد شده و همه محصولات دانش؛ چه دانش بشری و چه وحیانی، می‌تواند در خدمت فهم قرآن باشد که بسیاری از آیات قرآن با بی‌توجهی به دانش‌های بیرونی ناشکفته و تفسیر ناشده باقی می‌ماند.

حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالکریم بهجت‌پور، مدیر گروه دانشنامه قرآن‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره مباحث هرمنوتیک و تاریخ تفسیرنگاری اسلامی، روش‌های عقلایی و متعارف فهم قرآن و نیز معیارهای تشخیص خطای در تفسیر، از منظر مفسران مسلمان پرداخت.

وی در بخشی از سخنان خود اظهار کرد: دانش تفسیر در بین مسلمانان از همان آغاز نزول قرآن فعال شد و در طی ادوار مختلف، از منابع مختلف از سؤال صحابه از پیامبر(ص) در فهم برخی از آیات گرفته تا حوزه ادبیات و لغت، سیاق، اجتهادات شخصی، منابع اهل کتاب، منابع عقلی و رویکردهای جدید دانش بشری استفاده کرده است.

بهجت‌پور با مروری اجمالی بر سابقه تاریخ تفسیرنگاری قرآن کریم ادامه داد: بنا بر این سابقه، باید گفت که سیر تاریخ تفسیرنگاری ما از همان زمان پیامبر(ص) بوده و محصول متأخری نیست که یکی دو قرن اخیر به وجود آمده باشد. از همان زمانی که قرآن نازل می‌شد، مسئله تفسیر برای ما مطرح بوده است. ابتدا منابع آن روایی و در واقع پیوسته به وحی و به تعبیری وحی‌های مکملی بود که در خدمت فهم قرآن قرار می‌گرفت.

ما در تفسیر از قرآن، حدیث، تاریخ، شهودهای باطنی، علوم تجربی، علوم ابزاری (مانند لغت، ادبیات عرب، علم فقه، علم اصول، منطق) و حتی برخی از مطالب موجود در عهدین و نیز اقوال مفسرین بهره می‌گیریم و این علوم را به استخدام تفسیر قرآن در می‌آوریم و در این میان، نکته مهم در اینجاست که با چه معیارهایی باید از این منابع استفاده کرد

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: به تدریج علوم ادبی و بلاغی و در دوره پیشرفته‌تر آن، دانش‌های تولید شده بشر در خدمت فهم و تفسیر قرآن قرار گرفت. این دانش‌های تولید شده بشر در مرحله نخست دانش‌هایی مانند کلام و فقه بود که از خود منابع اسلامی برآمده بود و در مرحله دوم از دانش‌هایی مانند علوم تجربی، علوم انسانی و اجتماعی بود که بشر در حوزه‌های مختلف به دست آورده بود.

نویسنده کتاب «درآمدی بر اصول تحول فرهنگی» با الهام از نزول تدریجی قرآن، پس از بیان اجمالی سیر تفسیرنگاری در دنیای اسلام تصریح کرد: بر اساس این رویکرد، یک نگاه کلان بر استفاده از این منابع و ابزارها وجود داشته و آن این‌که قرآن کتاب جامعی است که در همه حوزه‌های دانشی وارد شده است؛ حوزه‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم به نجات بشر از شقاوت یا تأمین سعادت او می‌انجامد.

مدیر گروه دانشنامه قرآن‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: بر این اساس، اصل بر این است که همه محصول دانش، چه دانش بشری که بشر مستقیماً خود تولید کرده و چه دانش وحیانی که در اثر تعامل با منابع دینی به دست آورده، همه این‌ها می‌تواند در خدمت فهم قرآن قرار بگیرد.

وی خاطرنشان کرد: ما در تفسیر از قرآن، حدیث، تاریخ، شهودهای باطنی، علوم تجربی، علوم ابزاری (لغت، ادبیات عرب، علم فقه، علم اصول، منطق) و حتی برخی از مطالب موجود در عهدین و نیز اقوال مفسرین بهره می‌گیریم و این علوم را به استخدام تفسیر قرآن در می‌آوریم و در این میان، نکته مهم در اینجاست که با چه معیارهایی باید از این منابع استفاده کرد.

نویسنده کتاب «تحریف‌ناپذیری قرآن» بیان کرد: استفاده بی حد و حصر و بدون ضابطه از این منابع است که نگرانی تولید می‌کند، وگرنه استفاده از همه این منابعی که در اختیار فهم می‌توانند قرار بگیرند، به طور غالب مورد انکار قرار نگرفته است.

وی افزود: البته در رویکردهایی مانند رویکرد اخباریون شیعه، سلفی‌ها و اهل حدیث اهل سنت، اعتقاد بر این است که تفسیر قرآن جز به وسیله روایت جایز نیست (لا يجوز الا بالاثر الصحيح)؛ این نظریه‌ای است که مورد توجه قرار نگرفته است و مفسرین قرآن با توجه

به وجود سؤالاتی که جواب آنها در روایات و تراث گذشته به دست نمی‌آمد، به طور طبیعی برای بررسی لایه‌های قرآن، به سمت منابع دیگر دانش رفتند و این نظریه را نپذیرفتند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اضافه کرد: همچنین این‌که برخی گفتند که ما تفکیکی هستیم و در هنگام رجوع به قرآن، خود را از همه دانش‌ها خالی می‌کنیم و از دانش‌های دیگر برای فهم قرآن استفاده نمی‌کنیم، نیز مورد توجه قرار نگرفت و معلوم شد که لایه‌هایی از قرآن به طور طبیعی با دانش‌های بیرون پیوند دارد.

وی تشریح کرد: برای مثال ما نمی‌توانیم از دانش تجربی در مواردی که قضایای موجود در آیه، قضایای معقول و مورد پذیرشی است، استفاده نکنیم و آن آیه را کما هو حقّه بفهمیم. بسیاری از آیات قرآن با بی‌توجهی به دانش‌های بیرونی ناشکفته و تفسیر نشده باقی خواهد ماند. بنابراین این رویکردها نمی‌توانست و نتوانست جلوی استفاده از منابع تفسیری را بگیرد.

حجت‌الاسلام بهجت‌پور خاطرنشان کرد: حال که ما پذیرفتیم از همه منابع عقلی و نقلی در خدمت فهم قرآن استفاده کنیم، سؤال مهمی که در اینجا پیش می‌آید آن است که موانع و آسیب‌های موجود در این رویکرد چیست؟ مفسرین قاعدتاً در اینجا باید به هشدارها و چراغ خطرهایی که در هنگام استفاده و بهره‌گیری از این منابع است، توجه کنند.